

تعیین میزان آشنایی و استفاده‌ی اعضای هیأت‌علمی دانشگاه‌های دولتی شهر اصفهان از نمایه‌های پایانی کتاب بر اساس نظریه‌ی اشاعه و نشر نوآوری*

علی نوروزی^۱، مظفر چشمه‌سهرابی^۲، عباس حری^۳

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: نمایه‌سازی از شیوه‌های نوین سازماندهی اطلاعات می‌باشد که با گسترش روزافزون مجراهای تولید اطلاعات و نیز لزوم افزایش سرعت و دقت دسترسی به اطلاعات تولید شده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پژوهش حاضر با هدف تعیین میزان آشنایی و استفاده از نمایه‌های پایانی کتاب در میان اعضای هیأت‌علمی دانشگاه‌های دولتی شهر اصفهان بر اساس نظریه‌ی اشاعه و نشر نوآوری انجام شد.

روش بررسی: روش این پژوهش توصیفی-پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته بود. جامعه‌ی آماری شامل ۱۷۲۷ نفر از اعضای هیأت‌علمی دانشگاه‌های دولتی شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ خورشیدی بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی-طبقه‌ای، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۱۷۶ نفر تعیین شد. با توجه به احتمال ریزش به دلیل عدم بازگشت، پرسشنامه برای ۳۰۰ نفر ارسال شد که در مجموع ۱۹۱ مورد برگشت داده شد و مورد بررسی قرار گرفتند. روایی پرسشنامه توسط ۱۰ نفر از متخصصان و صاحب‌نظران علم اطلاعات و دانش‌شناسی، علوم اطلاعات و ارتباطات، و علوم اجتماعی مورد تأیید قرار گرفت و ضریب پایایی آن با استفاده از فرمول Cronbach's alpha ۹۷/۶ به دست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی (فراوانی، درصد، و میانگین) و استنباطی (ضریب همبستگی اسپیرمن) و با کمک نرم‌افزار SPSS-20 انجام شد.

یافته‌ها: میزان آشنایی و استفاده‌ی اعضای هیأت‌علمی اصفهان از نمایه‌های پایانی کتاب، پایین‌تر از حد متوسط بود (۲/۳۷). بیشترین آشنایی از طریق دانشگاه و استفاده از نمایه در کتاب‌های فارسی و لاتین دارای اولویت دوم بود. بین میزان استفاده‌ی اعضای هیأت‌علمی مورد بررسی از انواع نمایه در بازایی اطلاعات درون کتاب با متغیرهای جمعیت‌شناختی رابطه‌ی وجود ندارد؛ بین استفاده‌ی اعضای هیأت‌علمی مورد بررسی از انواع نمایه در تالیف و ترجمه‌ی کتاب (شیوه‌ی چاپ) با سن، رابطه‌ی معکوس وجود دارد (P-value=۰/۰۱۹ و $t=-۰/۳۰۸$)؛ بین استفاده‌ی اعضای هیأت‌علمی مورد بررسی از انواع نمایه به طور کلی با سنوات تدریس، رابطه‌ی معکوس وجود دارد (P-value=۰/۰۲۳ و $t=-۰/۲۹۶$).

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه رسالت اصلی اعضای هیأت‌علمی انجام فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی می‌باشد و انجام این مهم نیازمند شناخت ابزارهای تحقیق است که نمایه از اساسی‌ترین آنهاست به نظر می‌رسد، شناخت اندک و استفاده‌ی محدود اعضای هیأت‌علمی دانشگاه‌های دولتی شهر اصفهان از نمایه ممکن است فرصت انجام کارهای علمی عمیق را از آن‌ها بگیرد. لذا در جامعه‌ی علمی ما نیاز به متخصصان حرفه‌ای در این زمینه می‌باشند و این خلل می‌تواند توسط کتابداران، جبران شود.

واژه‌های کلیدی: نمایه؛ نمایه‌سازی؛ اشاعه اطلاعات؛ اعضای هیأت‌علمی؛ دانشگاه‌ها

اصلاح نهایی: ۹۲/۱۰/۲۵

دریافت مقاله: ۹۲/۹/۱۷

پذیرش مقاله: ۹۲/۱۰/۳۰

*این مقاله حاصل پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، رشته‌ی علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه

اصفهان می‌باشد که بدون حمایت مالی سازمانی انجام شده است.

۱- کارشناسی ارشد، علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده‌ی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده‌ی مسؤل)

Email: a_norouzi@alzahra.mui.ac.ir

۲- استادیار، علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۳- استاد، علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

ارجاع: نوروزی علی، چشمه‌سهرابی مظفر، حری عباس. تعیین میزان آشنایی و استفاده‌ی اعضای هیأت‌علمی دانشگاه‌های دولتی شهر اصفهان از نمایه‌های پایانی کتاب بر اساس نظریه‌ی اشاعه و نشر نوآوری. مدیریت اطلاعات سلامت ۱۳۹۳؛ ۱۱(۳): ۳۳۴-۳۳۳.

مقدمه

نمایه‌سازی تدوین شده باشد، مجموعه‌ی اطلاعات موجود در کتاب را به خوبی نشان می‌دهد. بازنگری تحقیقات انجام‌شده در حوزه‌ی نمایه‌سازی در ایران حاکی از این است که وضعیت استفاده از نمایه‌های پایانی کتاب، مطلوب و رضایت‌بخش نیست. دلیل اصلی این امر شاید توجه بیش از حد به فهرست‌نویسی و رده‌بندی منابع کتابی و عدم توجه کافی به سازماندهی منابع، به ویژه نمایه‌سازی آن‌ها باشد. دلیل دیگر این مسأله شاید عدم توجه لازم به آموزش اصولی این مبحث مانند مباحث فهرست‌نویسی و رده‌بندی چه در دوره‌های تحصیلات دانشگاهی و چه در سازمان‌های ارائه‌دهنده‌ی خدمات نمایه‌سازی باشد (۳-۶).

در زمینه‌ی پذیرش و استفاده از نمایه‌ها در امر بازیابی اطلاعات، کار چندانی صورت نگرفته، حال آن‌که هدف از نمایه‌سازی منابع اطلاعاتی، تهیه‌ی راهنمایی کلی از محتوای منبع و افزایش هرچه بیشتر جامعیت و مانعیت در فرایند بازیابی اطلاعات است. همچنین با استفاده از نمایه‌ها می‌توان در بهبود خدمات مرجع انقلابی عظیم ایجاد کرد. انقلابی که در پی آن افزایش هرچه بیشتر استفاده از منابع اطلاعاتی می‌باشد و باعث رضایت حداکثری کاربر نهایی می‌گردد. و این به معنای حداکثر استفاده از حداقل منابع اطلاعاتی است (۷).

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، الگوها و روش‌های گوناگونی در سطح جهان برای بررسی عوامل مؤثر بر پذیرش نوآوری‌ها به کار گرفته شده‌اند که برخی از آن‌ها عبارتند از: الگوی پذیرش فناوری (TAM) Technology Acceptance Model از Davis، نظریه‌ی یکپارچه‌ی پذیرش و استفاده از فناوری (UTAUT) Unified Theory of Acceptance and Use of Technology، نظریه‌ی اشاعه و نشر نوآوری (IDT) Innovation Diffusion Theory، الگوی انتظار-تایید برای استفاده‌ی مستمر از فناوری، الگوی تناسب بین وظیفه و فناوری، چارچوب فناوری-سازمان-محیط، تئوری رفتار برنامه‌ریزی

امروزه در بیشتر کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعاتی، ذخیره و بازیابی اطلاعات، با استفاده از اطلاعات کتاب‌شناختی و سرعنوان‌های موضوعی اختصاص‌یافته به مدرک انجام می‌شود. از آنجایی که در این روش تعداد موضوعات اختصاص‌یافته به مدرک خیلی محدود است، نمی‌تواند نشان‌دهنده‌ی محتوای اطلاعاتی آن باشد. یکی دیگر از روش‌های بازیابی اطلاعات، استفاده از فهرست مندرجات است. این منبع اطلاعاتی نیز حاوی موضوعات کلی بحث‌شده در هر فصل می‌باشد و به صورت کلی موضوعات را بیان می‌کند ولی نمی‌تواند جواب‌گوی نیازهای خاص جامعه‌ی استفاده‌کننده باشد. تفاوت نمایه با فهرست مندرجات در این است که فهرست مندرجات، طرح و نقشه‌ی دلخواه مؤلف از کتاب است که قصد دارد موضوع و محتوای آن را در جالب‌ترین و دقیق‌ترین شیوه معرفی کند؛ اما نمایه طرح و نقشه‌ی نمایه‌ساز از اطلاعات ارائه شده توسط مؤلف است که مطالب اثر را با بهترین روش نشان می‌دهد. فهرست مندرجات بر اساس توالی حضور مطالب متن اصلی مرتب می‌شود حال آن‌که نمایه کتاب معمولاً بر اساس نظم الفبایی مرتب می‌شود. در واقع، فهرست مندرجات تجلی حرکت اندیشه‌ی مؤلف است (۱). کتاب بدون نمایه، همانند شهری بدون راهنماست، گرچه فهرست مندرجات طرح کلی رئوس مطالب کتاب را ارائه می‌کند، ولی نمی‌تواند اصطلاحات اخص را نشان دهد و جایگزین نمایه نشود (۲). استفاده از روش‌های جدید در امر ذخیره و بازیابی اطلاعات مدارک که بتواند موضوعات اخص را به صورت دقیق مورد بازیابی قرار دهد، امری ضروری به نظر می‌رسد. نمایه‌های تهیه شده برای منابع اطلاعاتی و از جمله نمایه‌های پایانی کتاب حاوی موضوعات و نکات اصلی مورد بحث در منابع می‌باشند. استفاده از نمایه‌های پایانی کتاب می‌تواند در امر بازیابی اطلاعات تحولی بزرگ ایجاد کند. نمایه‌های پایانی کتاب، در واقع مخزن اطلاعات فشرده، بسته‌بندی شده و ردیف شده‌ی کتاب است که اگر براساس اصول و روش‌های منظم و فنی

شده atizon، الگوی تصاحب اجتماعی فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، تئوری عمل مستدل و تئوری رفتار منطقی(۸) در این پژوهش سعی بر این است که نمایه‌های پایانی کتاب با استفاده از نظریه‌ی اشاعه و نشر نوآوری مورد ارزیابی قرار گیرد. در این نظریه که در سال ۱۹۶۴ میلادی از سوی Rogers، مطرح گردیده است، اشاعه‌ی یک نوآوری به عنوان «جریانی که به وسیله‌ی آن یک نوآوری از طریق مجراهای مشخص در طول زمان بین اعضای یک نظام اجتماعی منتشر می‌گردد» معرفی می‌شود. خود نوآوری نیز می‌تواند روش یا موضوعی باشد که از نظر فرد یا گروه اجتماعی جدید تلقی شود. جدیدبودن به معنی اولین کاربرد یا کشف نیست بلکه این برداشت ذهنی فرد است که جدید بودن را برای هر موضوع یا روش مشخص می‌نماید. در نظریه‌ی Rogers به این نکته اشاره می‌شود که برای پذیرش هر نوآوری، فرایندی طی می‌شود. این فرایند جریانی است که از طریق آن، تصمیم‌گیرنده به پذیرش، بازآفرینی و یا رد نوآوری مبادرت می‌نماید. Rogers در نظریه‌ی خود، چهار مرحله را برای فرایند اشاعه‌ی یک نوآوری تعریف می‌کند: ۱. مرحله‌ی آگاهی: اولین مرحله‌ای که در آن، فرد از وجود نوآوری و چگونگی کارکرد آن آگاه می‌شود. ۲. مرحله‌ی ترغیب: مرحله‌ای که فرد نسبت به نوآوری گرایشی مساعد و یا نامساعد پیدا می‌کند. ۳. مرحله‌ی تصمیم: در این مرحله، فرد به فعالیت‌هایی مشغول می‌شود که او را به پذیرش یا رد نوآوری رهنمون می‌سازد. ۴. مرحله‌ی همنوایی: آخرین مرحله و مرحله‌ای است که در آن، فرد به دنبال مشوق‌هایی برای پذیرش نوآوری است؛ اگر پیام متضادی دریافت کند، ممکن است تصمیمش برای پذیرش نوآوری تغییر یابد (۹).

در ادامه‌ی این نظریه، بر این نکته تأکید می‌شود که مراحل فوق برای تمامی اعضای یک نظام اجتماعی، با یک سرعت طی نمی‌شود. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت پذیرندگان در یک زمان دست به پذیرش یک نوآوری بزنند. بر همین اساس، در نظریه‌ی اشاعه‌ی نوآوری‌ها، پذیرندگان یک نوآوری بر حسب زمان پذیرش، به پنج گروه طبقه‌بندی

می‌شوند که عبارتند از: ۱. نوآوران (نوگرایان): شامل اولین ۲/۵ درصد از افرادی است که نوآوری را پذیرفته‌اند. ۲. نخستین پذیرندگان: ۱۳/۵ درصد از افراد بعدی که نوآوری را می‌پذیرند. ۳. اکثریت زودپذیر: شامل ۳۴ درصد از پذیرندگان بعدی هستند. ۴. اکثریت کندپذیر: گروه بعدی از پذیرندگان که شامل ۳۴ درصد از افراد پذیرای بعدی هستند. ۵. دیرپذیران: آخرین ۱۶ درصد از پذیرندگان نوآوری را شامل می‌شود. باید یادآور شد، درصدهای ذکر شده با توجه به فراوانی پذیرندگان در طول زمان، الزاماً ثابت نخواهد بود. بر اساس تقسیم‌بندی فوق، Rogers تأکید می‌کند که آهنگ پذیرش هر نوآوری در یک محیط اجتماعی، از منحنی S تبعیت می‌نماید؛ بدین معنی که سرعت پذیرش یک نوآوری در ابتدا اندک، سپس به تدریج افزایش می‌یابد و در نهایت، مجدداً رو به کاهش می‌گذارد (۱۰).

بررسی متون موجود حاکی از این است که تاکنون تحقیقی با این عنوان انجام نشده است، اما تحقیقات متعددی بر روی نمایه‌های پایانی کتاب صورت گرفته که می‌توان آن‌ها را در ۵ دسته تقسیم کرد:

پژوهش‌هایی در رابطه با ارزیابی نمایه‌های پایانی کتاب از نظر رعایت ملاک‌های استاندارد ISO-999 مانند: تجعفری (۵، ۶)؛ دهنوی (۳)؛ کریمی (۱۱)؛ نوشین‌فرد (۱۲)؛ مجرب (۱۳)؛ همایی (۱۴)؛ پژوهش‌هایی در رابطه با ارزیابی نمایه‌های پایانی کتاب از نظر رعایت ملاک‌های استاندارد BS-3700 مانند: مزینانی (۱۵)؛ آبادطلب (۱۶)؛ دهنوی (۳)؛ پژوهش‌هایی در رابطه با ارزیابی نمایه‌های پایانی کتاب از نظر دقت و صحت نظام ارجاعات مانند: شریفیان (۱۷)؛ Diodato (۱۹، ۱۸)؛ Nwodo (۲۰)؛ پژوهش‌هایی در رابطه با ارزیابی نمایه‌های پایانی کتاب از نظر مقایسه‌ی نمایه‌سازی توسط نمایه‌ساز حرفه‌ای و نویسنده مانند: Bishop و Liddy و Settel (۲۱)؛ پژوهش‌هایی در رابطه با ارزیابی نمایه‌های پایانی کتاب از نظر پوشش نمایه‌سازی انتشارات ملی مانند: Olanlokun و Ojo (۲۲).

سؤالات جمعیت‌شناختی و سؤالات مربوط به اهداف ذکر شده در پژوهش، تشکیل می‌شود. روایی پرسش‌نامه توسط ۱۰ نفر از متخصصان حوزه‌های جامعه‌شناسی، علوم اطلاعات و ارتباطات، و علم اطلاعات و دانش‌شناسی انجام شد بدین صورت که پس از ذکر اطلاعات و نکات فنی لازم، پرسش‌نامه مورد بازنگری قرار گرفت و در نهایت تأیید شد. پایایی پرسش‌نامه بر اساس Cronbach's alpha و با انجام پیش‌آزمونی از میان ۳۰ نفر از جامعه‌ی مورد بررسی با رعایت اصل پراکندگی جامعه‌ی پیش‌آزمون، ۹۷/۶ درصد بدست آمد. روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در دو سطح به شرح زیر صورت گرفت: در سطح توصیفی از شاخص‌های آماری نظیر فراوانی و درصد استفاده شد و در سطح استنباطی به منظور بررسی رابطه‌ی استفاده‌ی اعضای هیأت علمی مورد بررسی از انواع نمایه با متغیرهای جمعیت‌شناختی از ضریب همبستگی Spearman correlation Coefficient استفاده گردید. در این پژوهش نرم‌افزار SPSS-20 برای تحلیل داده‌ها و قضاوت در مورد آن‌ها مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها

از نظر محدوده‌ی سنی، ۲۳ درصد پاسخگویان ۳۵ سال یا کمتر، ۳۸/۷ درصد ۳۶ تا ۴۵ سال، ۲۶/۲ درصد ۴۶ تا ۵۵ سال و ۱۲/۱ درصد ۵۵ سال به بالا داشتند و ۲۷/۲ درصد پاسخگویان زن و ۷۲/۸ درصد مرد بودند. مدرک تحصیلی ۸/۹ درصد پاسخگویان کارشناسی ارشد، ۸۴/۸ درصد دکترای تخصصی و ۶/۳ درصد فوق تخصص بود. از طرفی، ۳۷/۲ درصد پاسخگویان ۶-۱۰ سال، ۱۷/۳ درصد ۱۲-۷ سال، ۲۰/۹ درصد ۱۳-۱۸ سال، ۱۳/۶ درصد ۲۴-۱۹ سال، ۶/۳ درصد ۳۰-۲۵ سال و ۴/۷ درصد بالاتر از ۳۰ سال سابقه داشتند؛ همچنین ۹/۴ درصد افراد تحت مطالعه مربی، ۶۳/۴ درصد استادیار، ۱۶/۷ درصد دانشیار و ۱۰/۵ درصد استاد بودند. ۲۵/۷ درصد از پاسخگویان از دانشگاه اصفهان، ۳۴ درصد از دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ۲۹/۸ درصد از دانشگاه صنعتی اصفهان و ۱۰/۵ درصد از دانشگاه هنر اصفهان بودند.

تحقیق حاضر با بهره‌گیری از قسمت‌های مختلف نظریه‌ی Rogers که به آن‌ها اشاره شد، درصد تعیین میزان آشنایی و استفاده‌ی اعضای هیأت‌علمی دانشگاه‌های دولتی شهر اصفهان از نمایه‌های پایانی کتاب بر اساس نظریه‌ی اشاعه و نشر نوآوری در سال ۱۳۹۲ خورشیدی بوده است.

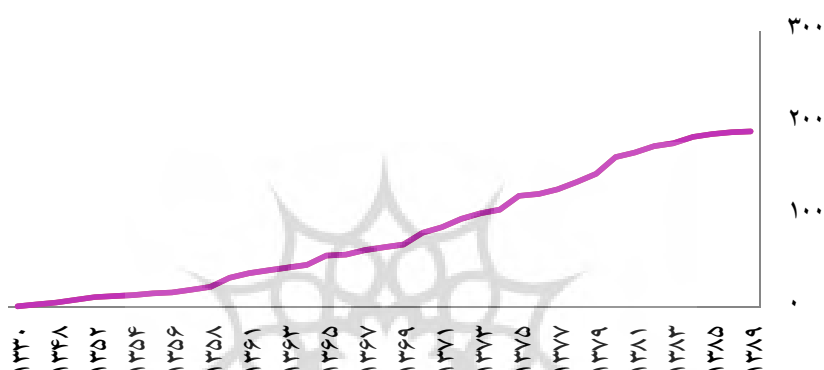
روش بررسی

پژوهش حاضر پیمایشی-توصیفی است. جامعه‌ی آماری، اعضای هیأت‌علمی دانشگاه‌های دولتی شهر اصفهان (شامل دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشگاه اصفهان، و دانشگاه هنر) در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ خورشیدی بود که مشتمل بر ۱۷۲۷ نفر بودند. از آن‌جا که جامعه‌ی آماری پژوهش در دانشگاه‌های مختلف دولتی شهر اصفهان پراکنده شده است و برای دستیابی به نتایج واقعی‌تر باید به این پراکندگی و تفاوت‌های احتمالی بین گروه‌ها توجه می‌شد، لذا از روش نمونه‌گیری تصادفی-طبقه‌ای متناسب با حجم جامعه، استفاده شده است. بر اساس فرمول برآورد تعیین حجم نمونه‌ی کوکران، حجم نمونه، برابر ۱۷۶ نفر با توجه به متفاوت بودن تعداد اعضای هیأت علمی در دانشگاه‌های مورد مطالعه به تناسب سهم هر یک از این گروه‌ها از کل، مشخص گردید به دلیل احتمال عدم بازگشت پرسش‌نامه تعداد ۳۰۰ پرسش‌نامه در میان جامعه‌ی مورد پژوهش توزیع گردید. از این میان تعداد ۷ مورد به صورت ناقص بازگشت شد و ۱۹۱ مورد به صورت کامل تکمیل شد و بازگشت داده شد. از آن‌جایی که برای توزیع و جمع‌آوری پرسش‌نامه کار زیادی انجام شده بود و با نظر مشاور آماری تمام ۱۹۱ پرسش‌نامه تکمیل شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها و اطلاعات در این پژوهش، پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته بود که پرسش‌های مطرح شده در آن بر اساس منابع مرتبط با موضوع پژوهش و یافته‌های حاصل از آن، طرح گردید و تلاش شد تا حد امکان اطلاعات مورد نیاز برای پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش از طریق آن جمع‌آوری شود. پرسش‌نامه از دو بخش کلی

در خصوص نحوه‌ی آشنایی اعضای هیأت علمی مورد بررسی با نمایه‌های پایانی کتاب، استفاده از کتاب‌ها و نشریات تخصصی در دوران تحصیلات تکمیلی با ۸۴/۳ درصد، دوستان ۸/۵ درصد، دوره‌های آموزشی ۳/۱ درصد و سایر ۴/۱ درصد بود.

همچنین زمان آشنایی اعضای هیأت علمی مورد بررسی از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۸۹ گزارش شد. با رسم منحنی آشنایی و پذیرش نمایه را در طول زمان بر اساس فراوانی تجمعی افراد، منحنی S شکلی بدست آمد (نمودار ۱).

میزان آشنایی اعضای هیأت علمی از انواع نمایه (از نظر محتوا و پوشش، شیوه‌ی چاپ و نوع تهیه) در دانشگاه‌های مورد بررسی با میانگین کل ۲/۳۷ پایین‌تر از حد متوسط مشاهده شد. در این میان، اعضای هیأت علمی دانشگاه اصفهان با میانگین کل ۲/۶۰ بیشترین میزان آشنایی را داشتند. اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های صنعتی و هنر با میانگین ۲/۳۹ و اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان با میانگین ۲/۱۷ در رده‌های بعدی قرار گرفتند.



نمودار ۱: منحنی آشنایی و پذیرش در طول زمان

ذکر کردند. همچنین نوع اطلاعات مورد جست‌وجوی از نمایه را موضوع‌ها ذکر کردند. اولویت اول طریقه‌ی جست‌وجوی اطلاعات توسط اعضای هیأت‌علمی مورد بررسی در مطالعه‌ی کتاب‌های فارسی و لاتین، استفاده از فهرست مطالب؛ اولویت دوم، استفاده از نمایه‌ی پایانی کتاب؛ و اولویت سوم، جست‌وجو در داخل متن می‌باشد (جدول ۱).

اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های دولتی شهر اصفهان، اغلب اوقات از نمایه‌های پایانی کتاب استفاده می‌کنند به عبارت دیگر نمره‌ی میزان استفاده‌ی اعضای هیأت‌علمی از نمایه‌های پایانی کتاب ۳/۷۸۵ بدست آمد که در صورت فرض میانگین متوسط ۳، بالاتر از حد متوسط می‌باشد. این افراد دلیل استفاده از نمایه‌ها را تسریع در دسترسی به یک مطلب خاص

جدول ۱: توزیع فراوانی اولویت طریقه‌ی جست‌وجوی اطلاعات توسط اعضای هیأت‌علمی مورد بررسی در مطالعه‌ی کتاب‌های فارسی و لاتین

کتاب‌های	اولویت استفاده	جست‌وجو در داخل متن		استفاده از فهرست مطالب		استفاده از نمایه‌ی پایانی کتاب	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
فارسی	اول	۲۱	۱۱	۱۵۴	۸۰/۶	۱۷	۸/۹
	دوم	۵۵	۲۸/۸	۳۱	۱۶/۲	۱۰۷	۵۶
	سوم	۱۱۵	۶۰/۲	۶	۳/۲	۶۷	۳۵/۱
	اولویت کلی	اولویت سوم		اولویت اول		اولویت دوم	
لاتین	اول	۱۴	۷/۳	۱۱۶	۶۰/۷	۶۱	۳۱/۹
	دوم	۱۲	۶/۳	۶۸	۳۵/۶	۱۱۰	۵۷/۶
	سوم	۱۶۵	۸۶/۴	۷	۳/۷	۲۰	۱۰/۵
	اولویت کلی	اولویت سوم		اولویت اول		اولویت دوم	

نداشت ولی بین میانگین نمره‌ی میزان استفاده اعضای هیأت‌علمی مورد بررسی از انواع نمایه در تألیف و ترجمه‌ی کتاب با متغیرهای جمعیت‌شناختی روابط زیر مشاهده شد (جدول ۲).

یافته‌های پژوهش نشان داد بین میانگین نمره‌ی میزان استفاده اعضای هیأت‌علمی مورد بررسی از انواع نمایه در بازیابی اطلاعات درون کتاب با متغیرهای جمعیت‌شناختی رابطه‌ای وجود

جدول ۲: ضرایب همبستگی اسپیرمن بین میانگین نمره‌ی میزان استفاده اعضای هیأت‌علمی مورد بررسی از انواع نمایه در تألیف و ترجمه‌ی کتاب با متغیرهای جمعیت‌شناختی (مرتبه‌ی علمی، سن، سنوات تدریس، سطح تحصیلات)

انواع نمایه	ضریب همبستگی اسپیرمن	متغیرهای جمعیت‌شناختی		
		مرتبه‌ی علمی	سن	سنوات تدریس
محتوا و پوشش	r	-۰/۰۱۷	-۰/۱۳۶	-۰/۱۲۲
	P-value	۰/۴۵۵	۰/۱۸۵	۰/۲۰۹
	فراوانی	۴۶	۴۶	۴۶
انواع (شیوه‌ی چاپ)	r	-۰/۱۸۷	-۰/۳۰۸	-۰/۴۱۳
	P-value	۰/۱۰۷	۰/۰۱۹	۰/۰۰۲
	فراوانی	۴۶	۴۶	۴۶
انواع (نوع تهیه)	r	۰/۰۲۹	-۰/۲۲۸	-۰/۳۲۹
	P-value	۰/۴۲۵	۰/۰۶۴	۰/۰۱۳
	فراوانی	۴۶	۴۶	۴۶
انواع نمایه به طور کلی	r	-۰/۰۴۴	-۰/۲۴۳	-۰/۲۹۶
	P-value	۰/۳۸۵	۰/۰۵۲	۰/۰۲۳
	فراوانی	۴۶	۴۶	۴۶

مسئله در منحنی پذیرش نمایه‌های پایانی کتاب به صورت روشن قابل مشاهده است. بر اساس همین منحنی، سه گروه پذیرا، شامل افراد نوآور، محافظه‌کار و کندپذیر در میان جامعه‌ی دانشگاهی قابل مشاهده بود.

میزان استفاده‌ی اعضای هیأت‌علمی از نمایه‌های پایانی کتاب ۳/۷۸۵ بدست آمد. لازم به ذکر است این میزان استفاده از نمایه‌های کتاب‌های غیر فارسی می‌باشد. اعضای هیأت‌علمی در ضمن پاسخگویی به پرسش‌نامه، بیان نمودند اکثر کتاب‌های فارسی یا نمایه ندارند یا اگر هم نمایه داشته باشند از غنای کافی برخوردار نیستند و دارای اشتباهات زیادی از نظر نوع ارجاع و کلیدواژه‌های بکار رفته در آن می‌باشد. این مسئله در کتاب‌های لاتین برعکس است و گاهی کوچک‌ترین موضوعات و نکات بکار رفته در کتاب نیز به صورت مفصل با ارجاعات صحیح آمده است و این امر بازیابی اطلاعات درون کتاب را در اغلب اوقات به نحو مطلوبی امکان‌پذیر می‌نماید.

ضریب همبستگی اسپیرمن بر اساس جدول ۲ نشان می‌دهد که: بین استفاده‌ی اعضای هیأت‌علمی مورد بررسی از انواع نمایه (از نظر شیوه‌ی چاپ) با سن، رابطه‌ی معکوس وجود دارد (P-value=۰/۰۱۹ و $r=-۰/۳۰۸$). بین استفاده‌ی اعضای هیأت‌علمی مورد بررسی از انواع نمایه (از نظر شیوه‌ی چاپ) با سنوات تدریس، رابطه‌ی معکوس وجود دارد (P-value=۰/۰۰۲ و $r=-۰/۴۱۳$). بین استفاده‌ی اعضای هیأت‌علمی مورد بررسی از انواع نمایه (از نظر نوع تهیه) با سنوات تدریس، رابطه‌ی معکوس وجود دارد (P-value=۰/۰۱۳ و $r=-۰/۳۲۹$). بین استفاده‌ی اعضای هیأت‌علمی مورد بررسی از انواع نمایه به طور کلی با سنوات تدریس، رابطه‌ی معکوس وجود دارد (P-value=۰/۰۲۳ و $r=-۰/۲۹۶$).

بحث

آن‌چنان که در نظریه‌ی اشاعه‌ی نوآوری‌ها اشاره شد، منحنی پذیرش یک نوآوری در طول زمان به شکل S خواهد بود. این

بیشتر می‌شود میزان استفاده‌ی آن‌ها از نمایه‌های پایانی کتاب در تألیف و ترجمه کتاب کاهش پیدا می‌کند. با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش و نتایج تحقیقات انجام شده‌ی قبلی در ایران می‌توان گفت میزان رعایت اصول استاندارد در نمایه‌های پایانی کتاب‌ها در کشور ما وضعیت مطلوبی ندارد و نمایه‌سازان و مؤلفان بیشتر به صورت سلیقه‌ای عمل می‌کنند تا این‌که از اصول استاندارد پیروی کنند.

نتیجه‌گیری

نمایه‌سازی فرایندی است که با وجود پیشینه‌ی دیرینه و فعالیت‌های عملی و نظری مختلف آن در سطح جهان در کشور ما توجه چندانی به آن نشده است. جامعه‌ی علمی ما نیاز به متخصصان حرفه‌ای در زمینه نشر و تولیدات علمی می‌باشند و این خلل می‌تواند توسط کتابداران، جبران شود. در این مورد می‌توان در دوره‌های تحصیلات تکمیلی رشته‌ی علم اطلاعات و دانش‌شناسی، گرایش تخصصی نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی لحاظ گردد تا کمبود این متخصصان در جامعه‌ی علمی، جبران گردد. همچنین با توجه به این‌که رسالت اصلی اعضای هیأت علمی انجام فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی و انجام این مهم نیازمند شناخت ابزارهای تحقیق است که نمایه از اساسی‌ترین آنهاست به نظر می‌رسد، شناخت اندک و استفاده‌ی محدود اعضای هیأت‌علمی دانشگاه‌های دولتی شهر اصفهان از نمایه ممکن است فرصت انجام کارهای علمی عمیق را از آن‌ها بگیرد.

پیشنهادها

۱. بر اساس داده‌های جدول ۱ پیشنهاد می‌شود در بررسی‌ها و نقد کتاب، تهیه‌ی نمایه‌های پایانی کتاب مورد توجه بیشتر قرار گیرد تا این امر موجب تشویق محققان و نویسندگان در تهیه‌ی نمایه برای کتاب‌های تألیفی و ترجمه‌ای گردد.
۲. بر اساس داده‌های جدول ۱ پیشنهاد می‌شود انتشارات دانشگاهی به نشر کتاب به همراه نمایه‌ی پایانی کتاب ملزم گردند.

پژوهش‌های انجام شده بر روی کتاب‌های فارسی که در حوزه‌های مختلف در ایران منتشر شده است نیز این مطلب را تأیید می‌کند.

آبادطلب نمایه‌های پایانی کتاب‌های علوم فنی و مهندسی فارسی انتشار یافته بین سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶ خورشیدی را بررسی کرد و نتیجه گرفت که فقط ۷/۵ درصد از کتاب‌های مورد بررسی دارای نمایه هستند (۱۵). جمع‌فوری نمایه‌های انتهای کتاب‌های فارسی حوزه‌ی علوم اجتماعی را بررسی کرد و نشان داد درصد کتاب‌های دارای نمایه ۵/۹۲ درصد از کل کتاب‌های منتشره در این حوزه است (۶). همچنین دهنوی نمایه‌های انتهای کتاب‌های فارسی کتابداری و اطلاع‌رسانی از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۸۵ خورشیدی را بررسی کرد و نشان داد که ۱۸ درصد کتاب‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی فارسی دارای نمایه‌ی پایانی کتاب هستند (۳).

در جست‌وجوی اطلاعات توسط اعضای هیأت علمی مورد بررسی در مطالعه‌ی کتاب‌های فارسی و لاتین، استفاده از فهرست مطالب، اولویت اول؛ استفاده از نمایه‌ی پایانی کتاب، اولویت دوم و جست‌وجو در داخل متن اولویت سوم را دارا می‌باشند. در صورت دقت در اطلاعات بدست آمده می‌توان چنین استنباط نمود که گرچه استفاده از نمایه‌های پایانی کتاب در کتاب‌های فارسی و لاتین، در مجموع دارای اولویت دوم می‌باشد ولی اولویت استفاده از نمایه‌های پایانی کتاب در کتاب‌های لاتین بیشتر از کتاب‌های فارسی می‌باشد. علت این امر می‌تواند کیفیت نمایه‌های تهیه شده در کتاب‌های لاتین باشد. این موارد نشان‌گر آن است که علیرغم این‌که بخش وسیعی از تولید علم در کشور در دانشگاه‌های صورت می‌گیرد مؤلفان و مترجمان از اهمیت نمایه‌ی پایانی کتاب آگاهی لازم را ندارند یا شاید به دلیل افزایش هزینه‌های نشر کتاب و هزینه‌ی مالی اضافی که تهیه نمایه برای ناشر ایجاد می‌کند باشد که ناشران را به طرف عدم تهیه نمایه پایانی کتاب سوق داده است.

بر اساس یافته‌های جدول ۲ می‌توان گفت بین استفاده‌ی اعضای هیأت علمی مورد بررسی از انواع نمایه در تألیف و ترجمه‌ی کتاب به طور کلی با سنوات تدریس، رابطه‌ی معکوس وجود دارد. به عبارت دیگر هرچه سنوات تدریس اعضای هیأت علمی

نتیجه‌گیری

بر پژوهشگران لازم است از آقای مهندس اکبر حسن‌زاده عضو محترم هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان که در قسمت آماری و معنی بخشیدن به این مقاله یاری نمودند، تشکر نمایند. همچنین لازم است از اعضای محترم هیأت علمی دانشگاه‌های اصفهان، علوم پزشکی اصفهان، صنعتی اصفهان و هنر اصفهان که در جمع‌آوری داده‌های تحقیق مساعدت نمودند، تشکر نمایند.

۳. بر اساس داده‌های جدول ۲ پیشنهاد می‌شود بخشی از کارگاه‌های روش تحقیق دانشجویان تحصیلات تکمیلی، به مسأله‌ی بازایی اطلاعات و استفاده از نمایه‌ها اختصاص یابد چرا که اعضای هیئت علمی آینده کشور از بین همین افراد انتخاب می‌شوند.

۴. بر اساس داده‌های جدول ۲ پیشنهاد می‌شود دوره‌های دانش‌افزایی ویژه اعضای هیأت علمی در مورد تهیه و استفاده از نمایه‌های پایانی کتاب برگزار گردد.

References

1. Aghabakhshi A. co-ordinate indexing: Concepts and Methods. 3^{ed}. Tehran: chapar; 2007. [In Persian].
2. Norouzi AR. Indexing books: a guide for publishers, indexers, librarians, authors and translators. 3^{ed}. Tehran: chapar; 2008. [In Persian].
3. Dehnavi F. The survey of the back of the book indexing of LIS Persian since 1969 to 2006 and compared with international standards. Tehran: Islamic Azad University; 2007. [In Persian].
4. Ebrahimi H. Survey of indexing and the amount of overlapping databases indexing articles in Persian and Persian culture articles indexed information centers, Management and Planning Organization and the National Library of Iran. Tehran: Islamic Azad University; 2006. [In Persian].
5. Tajafari M. Evaluation of the back of the book indexing of social science Persian books in the field of compliance criteria ISO 999. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad; 2005. [In Persian].
6. Tajafari M, Davarpanah MR. Evaluation of the back of the book indexing of social science Persian books in the field of compliance criteria ISO 999. Library and Information Science. 2005; 10 (37):45-59. [In Persian].
7. Lancaster FW. Indexing & Abstracting in Theory & Practice. 3^{ed}. London: Facet; 2003.
8. Rezaee M. Common Theories on Acceptance of Information and Communication Technologies (ICTs). Communication Research. 2009; 60(4):63-93. [In Persian].
9. Rogers EM. Diffusion of innovations. 5thed. New York: Free Press; 2003.
10. Zabet S, Cheshmehsohrabi M. A Review of Sociological Theories Concerning the Use of Information and Communication Technologies (Dissemination, Innovation and Possession). Communication Research. 2009; 60 (4): 37-61. [In Persian].
11. Karemi S. Study on ISO standards of back of the book indexes in the Persian history books published in years 1994-1998 in Iran. Tehran: Islamic Azad University; 1998. [In Persian].
12. Noshinfard F, Gojegi A. The evaluation of back of the book indexes of Persian books of Islamic Sciences, Islamic Azad University Library (Rudehen unit) to respect the criteria of ISO 999. Library and Information Science and Information Technology. 2010; 8(1):97-107. [In Persian].
13. Mojarrab M, Jokar A. Evaluation index Farsi books in library and information science during the 2006-2010 criteria ISO 999. Library and Information Science. 2011; 16 (2):139-65. [In Persian].
14. Homaei B, Fadaei GR, Sabni A. Evaluation of the bake of the book indexes agreement reference books published in Persian and Arabic, Islamic science between the years 1991-2009 with existing standards (ISO). LIS research university. 2012; 46 (59): 13-34. [In Persian].
15. Mazenani A. The back of the book indexes of Persian medical books (1989 to 1993). Book Quarterly. 1995; 74(1): 60-8. [In Persian].
16. Abadtalab H. A survey of the back of the book indexes of engineering science Persian books published from 1988 to the end of the 1998 Tehran: Islamic Azad University; 1999. [In Persian].
17. Sharefiyan D. The survey of back of the book indexes of Persian language and literature books published between the years 1991 to 1995. Tehran: Islamic Azad University; 1997. [In Persian].
18. Diodato V. Cross-references in back-of-book indexes. Indexer. 1991; 17(3):178-84.
19. Diodato V., Gandt.G. Back of book Indexes and the Characteristics of Author and Nonauthor Indexing: Report of Exploratory study. Journal of American society for information science. 1991; 42(5): 341-50.

20. Nwodo CO, Otokunefor HC. Indexing of books in Nigeria: some observations. *Indexer*. 1989; 4(16): 149-250.
21. Bishop AP, Liddy ED, Settel B. Index quality study, part 1: Quantitative description of back-of-the-book indexes. *Proceeding of: Indexing tradition and innovation: Proceeding of the 22nd annual conference of the American Society of Indexers*. 1990 June 27. Chicago: American Society of Indexers 1991.
22. Olanlokun SO, Ojo JA. A survey of the effectiveness and coverage of indexing of Nigerian publications from 1986-1996. *African journal of library, archives & information science*. 1998; 8(2): 97-104.



Investigate the Familiarity and Use of Indexes in the End of the Book between Academic Members of Isfahan City Based On Innovation Diffusion Theory (IDT)*

Ali Norouzi¹; Mozaffar Cheshmeh Sohrabi²; Abbas Horri³

Original Article

Abstract

Introduction: Indexing is a new way of organizing information which due to the spread of information and the ducts needs to increase the speed and accuracy of produced information is important. The present study aimed to investigate the familiarity and use of indexes in the end of the book between academic members of Isfahan city based on Innovation Diffusion Theory (IDT).

Methods: This study was conducted through a descriptive survey design. Study population included 1727 academic members of governmental universities in Isfahan. Sample size was calculated based on Cochran formula as 176 subjects. With respect to questionnaire return drop, the questionnaires were sent 300 subjects who returned 191 questionnaires. Questionnaire validity was confirmed by 10 experts in knowledge and informatics science, informatics and communications and sociology. Its reliability was confirmed by Cronbach's alpha=97.6. The data were analyzed by descriptive (frequency, percent and mean) and inferential (Spearman correlation Coefficient) statistical tests.

Results: The findings showed that familiarity and use of academic members in Isfahan with indexes in the end of the book was lower than average (2.37). Most familiarity was through university and the use of books in Persian and Latin icons in the second priority. Results showed no significant difference between mean score of academic members' use of indexes in searching the information in the books, and sociological variables. There was an inverse association between academic members' use of indexes in writing, translating (kind of print) and age (p-value=0.019, r=-0.308). There was an inverse association between academic members' use of indexes generally and years of teaching (p-value=0.023, r=0-.296)

Conclusion: Since the main mission of faculty members is teaching and research activities and performance it need understanding research tools, it seems index is the most important. Small knowledge and limited use of index among academic members of governmental universities in Isfahan may get the opportunity to practice deep. Therefore, the scientific community need professionals in this field and this can interfere with the librarians to compensate.

Keywords: Index; Indexing; Information Dissemination; Faculty Members; Universities

Received: 8 Dec, 2013

Accepted: 20 Jan, 2014

Citation: Norouzi A, Cheshmeh Sohrabi M, Horri A. Investigate the Familiarity and Use of Indexes in the End of the Book between Academic Members of Isfahan City Based On Innovation Diffusion Theory (IDT). Health Inf Manage 2014; 11(3): 343.

*This paper is a result of a postgraduate thesis, which was done without organizational support, from the Isfahan University.

1- MA, Knowledge & Information Science, Nursing School, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran (Corresponding Author) Email: a_norouzi@alzahra.mui.ac.ir

2- Assistant Professor, Knowledge & Information Science, Psychology and Educational Sciences School, University of Isfahan, Isfahan, Iran

3- Professor, Knowledge & Information Science, Psychology and Educational Sciences School, University of Tehran, Tehran, Iran